

علل افزایش نرخ ارز و نوسانات آن در بازار غیررسمی (بازار آزاد)

بازرگانی داخلی

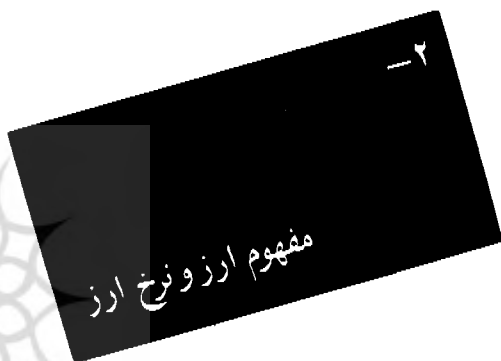
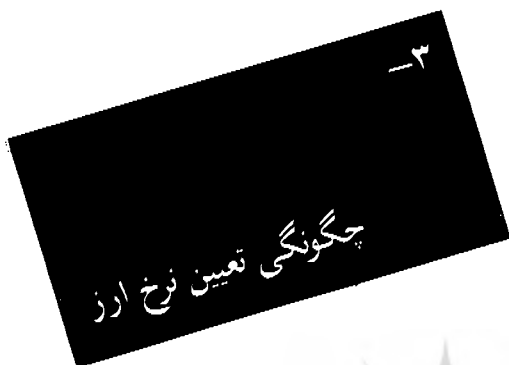
بعنوان ارزش واقعی ریال محسوب گردد. اخیراً از سوی مقامات پولی و مالی کشور اقدامات و اظهاراتی مبنی بر کاهش و یا از میان بردن اختلاف بین ارزش رسمی ریال و ارزش آن در بازار آزاد انجام و عنوان گردیده که بررسی دقیق تر نتایج حاصل از آن را ایجاب می نماید. اگر ساختار اقتصاد کشور به نحوی بود که تجارت خارجی، سهمی اندک در تولید ملی داشت، و یا اگر صنایع داخلی تا حدود زیادی از واردات مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین آلات بی نیاز بودند، شاید این امر مسئله چندان مهمی نمی بود. لکن، در شرایط فعلی کشور، هرگونه تغییر در ارزش برابری ریال با سایر ارزها و نوسانات روزانه آن تأثیر قابل ملاحظه و حتی تعیین کننده ای بر گردش چرخهای اقتصادی باقی می گذارد.

در خلال دهسال اخیر، عواملی از قبیل وابستگی شدید کشور به درآمدهای حاصل از صدور نفت، کاهش سهمیه صادرات نفت و تنزل شدید قیمت های جهانی آن، افزایش جمعیت و در نتیجه تشدید تقاضا برای کالاهای وارداتی، فرار سرمایه ها، جنگ تحمیلی، تورم و یک سری از عوامل سیاسی، نظامی و اقتصادی دیگر باعث گردید تا ارزش ریال در مقابل ارزهای دیگر در «بازار آزاد» شدیداً کاهش یابد. اگرچه «نرخ رسمی ریال» در مقابل سایر ارزها با پیش از انقلاب تفاوت چندانی ندارد، اما در شرایط موجود، نرخ مذکور نمی تواند و نباید

مقدمه:

معمول از آن استفاده می‌شود تنها پول خارجی و ارزش ریالی آن است و مردم در این رابطه از طلا و حق برداشت مخصوص بعنوان ارز و از قیمت آنها بعنوان نرخ ارز استفاده نمی‌کنند.

در این نوشتار تلاش خواهد شد تا ابتدا تعریفی از ارز و نرخ آن ارائه دهیم و سپس به چگونگی تعیین نرخ ارز در بازار آزاد بپردازیم. بدنبال آن تأثیر نوسانات نرخ ارز و عواملی که به این امر منتهی می‌شوند مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در پایان تأثیر از میان رفتن اختلاف بین نرخ رسمی و آزاد ارز در حالات گوناگون مورد تجزیه و تحلیل واقع خواهد شد.



در علم اقتصاد، قیمت یک واحد پول خارجی (یا نرخ ارز) نیز همچون قیمت سایر کالاها و خدمات، تابع عرضه و تقاضای آن است. با ثابت فرض کردن سایر شرایط، هر چه تقاضا برای ارز افزایش یابد باعث افزایش قیمت آن شده و بالعکس، هر چه عرضه آن افزایش یابد به کاهش ارزش آن منتهی خواهد شد.

عرضه و تقاضا برای ارز در نمودار صفحه بعد آمده است. همانطور که دیده می‌شود شیب منحنی تقاضا از بالا به پائین (منفی)

«ارز در مفهوم مضیق آن پول رایج کشور خارجی و در مفهوم موسع آن شامل کلیه وسائل پولی پرداختهای خارجی میباشد»^۱. بهمین ترتیب، «نرخ ارز قیمت یک واحد پول خارجی، حق برداشت مخصوص (SDR) و یا طلا در مبادله با پول رایج یک کشور می‌باشد»^۲. البته آنچه شایع است و بطور

(۱): موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی

(تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۶۷) جلد اول، ص ۱.

(۲): موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی -

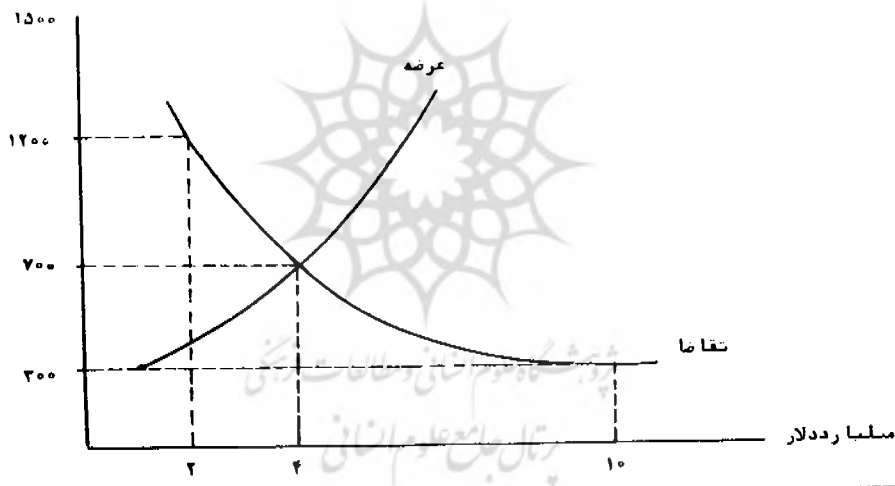
اقتصادی، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بهمن ۱۳۶۷) جلد دوم، ص ۱۵۶.

سال خواهد بود حال آنکه در نرخ ۷۰۰ ریال سالانه رقمی معادل ۴ میلیارد و در نرخ ۳۰۰ ریال رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار تقاضا برای ارز وجود خواهد داشت.^۲

از سوی دیگر، عرضه دلار دارای شیئی از پائین به بالا (مثبت) است. زیرا عرضه ارز از سوی دیگران عمدتاً جهت خرید کالا و خدمات از داخل کشور است. هر چه ارزش یک واحد پول خارجی بالاتر باشد، خرید کالای داخلی توسط خارجی‌ان به قیمت ارزانی می‌تواند صورت بگیرد. در نتیجه،

است زیرا هدف از تقاضا برای ارز، عموماً خرید کالا و خدمات از خارج از کشور است.^۱ هر چه ارزش ارز مورد نظر (مثلاً دلار) بالاتر باشد برای خرید یک واحد از کالا و خدمات وارداتی مورد نظر باید ریال بیشتری پرداخت شود، یعنی کالای خریداری شده گرانتر خواهد بود. در نتیجه این گرانی، میزان تقاضا کمتر شده و ارزش کمتری تقاضا خواهد شد. مثلاً، اگر ارزش هر دلار برابر با ۱۲۰۰ ریال باشد میزان تقاضا برای آن در بازار آزاد ۲ میلیارد دلار در

ارزش سراسری دلار ساریال



(۱): همانطور که بعداً تشریح خواهد شد در حال حاضر بخشی از تقاضا برای ارز نیز جهت خرید کالاهای تولید داخل و نیز جهت فروش بعدی آن به قیمت بالاتر و کسب سود و گاه جهت حفظ ارزش پول در شرایط تورم داخلی است.

(۲): اعداد در مثال فوق به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که حاکی از باکشی بودن تقاضا برای واردات است. اگر تقاضا برای واردات بی‌کشش فرض شود در آن صورت افزایش ارزش دلار باعث خواهد گردید که علی‌رغم کاهش میزان تقاضا برای کالاهای وارداتی، دلار بیشتری تقاضا شود، چرا که درصد کاهش تقاضا، کوچکتر از درصد افزایش قیمت خواهد بود.

اهمیت نرخ ارز و نوسانات آن

افزایش نرخ ارز باعث افزایش تقاضا برای کالاهای ساخت داخل خواهد گردید و ارز بیشتری صرف خرید کالاهای صادراتی ما خواهد شد^۱.

در مثال فرضی فوق، نرخ تعادل بازار در یک دوره معین - در قیمت هر دلار برابر با ۷۰۰ ریال خواهد بود. زیرا در نرخ بالاتر بازار با مازاد عرضه، و در نرخ پائین تر با مازاد تقاضا روبرو خواهد شد که در نهایت باعث خواهند گردید تا قیمت ارز مورد نظر به سمت ۷۰۰ ریال گرایش پیدا نماید. بدیهی است که در کوتاه مدت، حوادث سیاسی و اقتصادی می توانند عرضه و تقاضا برای ارز را تحت تأثیر قرار دهند و باعث شوند که نرخ ارز در شرایط عادی نیز در اطراف نرخ تعادل خود نوساناتی را داشته باشد. اینکه سطح و نوسانات نرخ ارز تا چه اندازه اهمیت دارد موضوعی است که اینک بدان می پردازیم.

اینکه دلار ۷۰ ریال باشد یا ۱۲۰۰ ریال چه اهمیتی دارد؟ دست اندرکاران مباحث اقتصادی بخوبی می دانند که آنچه حائز اهمیت است نه قیمت های مطلق بلکه قیمت های نسبی است. اگر در یک اقتصاد بسته تمامی قیمت ها و درآمدها یکباره دو برابر شوند، تولید و مصرف واقعی تغییر محسوسی نخواهد کرد^۱. لکن، وقوع همین امر در یک اقتصاد باز - بسته به اینکه نرخ ارز چه تغییری پیدا کرده باشد - می تواند دارای بازتابهای گوناگونی باشد.

در حالت نخست، اگر نرخ ارز در سطح پیش از دو برابر شدن قیمت ها ثابت

(۱): اگر تقاضای خارجی برای کالاهای ایرانی بی کشش باشد، در این صورت ارزاتر کردن کالاهای صادراتی - از طریق افزایش نرخ ارز - منجر به کاهش درآمدهای ارزی کشور خواهد شد، این مسئله ای است که در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و یا تعیین قیمت ارز صادراتی باید مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه کار تحقیقاتی چندانی صورت نگرفته و برخی به غلط تصور می کنند صادرات کالائی مانند پسته - که ایران سهم مهمی در صادرات جهانی آن دارد - می تواند به همان میزان افزایش تقاضا، درآمد ارزی بیشتری عاید کشور نماید.

(۲): در این حالت تنها ارزش واقعی بخشی از ثروت مردم که بصورت پول نقد نگهداری می شود تقلیل خواهد یافت و از طریق کاهش ارزش واقعی ثروت مردم باعث مقداری تغییر در میزان مصرف و پس انداز افراد خواهد گردید.

کرد. در نتیجه، هم تولید و درآمد داخلی کاهش خواهد یافت و هم موازنه تجاری کشور با کسری قابل ملاحظه‌ای روبرو خواهد شد. واضح است که هر اندازه نقش تجارت خارجی در اقتصاد کشور بیشتر باشد، این امر بازتاب گسترده‌تری خواهد یافت.

در حالت دوم، اگر نرخ برابری ارز نیز دو برابر می‌گردد، یعنی اگر با دو برابر کردن ارزش پولهای خارجی به افزایش قیمت‌های داخلی عکس‌العمل نشان داده می‌شود نه تنها قابلیت رقابت کالاهای صادراتی کشور تغییر چندانی نمی‌نمود بلکه مصرف‌کنندگان داخلی نیز برای جایگزین نمودن تولیدات داخلی با کالاهای وارداتی دلیل زیادی نمی‌یافتند. در کوتاه‌مدت تولید و درآمد داخلی تغییر محسوسی نمی‌کرد و موازنه تجاری نیز با تغییر زیادی روبرو نمی‌شد.^۲

علت اصلی اهمیت نرخ ارز آن است که این نرخ - بر خلاف سایر قیمت‌ها - نه یک «قیمت مطلق»، بلکه یک «قیمت نسبی» است. به زبان ساده‌تر، نرخ ارز قیمت نسبی پول خارجی با پول داخلی است. که افزایش

نگاهداشته شود، اکثر کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را از دست خواهند داد، زیرا خریداران خارجی اکنون می‌باید برای خرید کالاهای دیروز دو برابر ارز بپردازند. طبیعی است که اینکار باعث خواهد گردید تا کالاهای مشابه، جایگزین کالاهای صادراتی ما در بازارهای جهانی بشوند. کاهش میزان و ارزش صادرات فرش ایران در سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۸ گواه خوبی بر این مدعاست و بطور حتم اگر کیفیت مرغوب فرش ایران مطرح نبود، این کاهش می‌توانست به مراتب بیشتر باشد.^۱ از سوی دیگر، مصرف‌کننده داخلی هم دلیل خوبی برای تغییر الگوی مصرف خود می‌یابد. زیرا در این حالت کالاهای داخلی به مراتب گرانتر از کالاهای وارداتی شده‌اند. طبیعی است که در این شرایط اگر موانعی از قبیل تعرفه‌های گمرکی، سود بازرگانی یا محدودیت‌های وارداتی اعمال نشوند، میزان واردات افزایش یافته و کالاهای وارداتی، تولیدات داخلی را از میدان به در خواهند

(۱): طی این مدت شاخص مقدار صادرات فرش ۶۲ درصد و شاخص ارزش آن ۸ درصد کاهش یافت.

رک: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بازار جهانی فرش (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۶۳) ص ۱۵۰.

(۲): از آنجا که برخی از تولیدات داخلی متکی به واردات هستند، بالا رفتن قیمت ارز باعث افزایش هزینه واردات و قیمت‌های داخلی می‌گردد. در نتیجه، افزایش قیمت‌های داخلی بیش از حالت قبل است. در واقع برای ثابت نگاهداشتن قابلیت رقابت کالاهای داخلی، قیمت ارز باید مقداری بیش از دو برابر افزایش می‌یافت.

(کاهش) آن از یکسب باعث ارزانتر (گرانتر) شدن کالای داخلی برای خریداران خارجی گشته و از سوی دیگر کالاهای وارداتی را برای مصرف کنندگان داخلی گرانتر (ارزانتر) خواهد نمود. طبیعی است که تخصیص منابع نیز در همین جهت شکل خواهد گرفت و الگوی مصرف کالاهای داخلی و وارداتی در آن نیز از همین امر متأثر خواهند شد.

اکنون که تأثیر و اهمیت نرخ ارز در اقتصاد تا حدودی روشن شد، بی‌مناسبت نیست که در مورد اهمیت نوسانات نرخ ارز نیز به توضیح مختصری بپردازیم. گذشته از تأثیر سطح نرخ ارز بر شرایط اقتصادی کشور، نوسانات روزانه آن نیز تبعات خاص خود را داراست. در واقع، یکی از دلایل اصلی طرفداران سیستم نرخ ثابت ارز در مقابل سیستم نرخ شناور ارز آن است که این سیستم با کاهش دامنه نوسانات نرخ ارز، محیط مساعدتری را جهت تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی فراهم می‌سازد.

اگر نرخ ارز نوسانات شدیدی را ظاهر سازد، صادرکنندگان و واردکنندگان در

هنگام عقد قرارداد، در مورد درآمد حاصل از صادرات یا هزینه واردات به پول محلی تصور چندان دقیق‌تری ندارند. البته ارزش ارزی کالای صادراتی و وارداتی در هنگام عقد قرارداد معلوم است، ولی از آنجا که تا هنگام دریافت درآمد صادراتی و یا تا هنگام فروش کالای وارداتی مدت زمانی سپری می‌گردد، نوسانات نرخ ارز قادر است تا ارزش کالای صادراتی و هزینه کالای وارداتی را (به پول ملی) شدیداً تحت تأثیر قرار دهد و این درآمدها و هزینه‌ها براحتی می‌توانند با زمان انجام معامله تفاوت فاحش و غیرمنتظره‌ای داشته باشند.

چنین وضعیتی می‌تواند — بسته به میزان خطرگریزی دست‌اندرکاران تجارت خارجی کشور و وضعیت بازار داخلی — به یکی از حالات زیر منجر گردد:

اول، آنکه برخی از واردکنندگان و صادرکنندگان بطور کلی دست از انجام چنین معاملاتی بخواهند داشت زیرا تاب تحمل این خطر را ندارند که درآمدها و یا قیمت‌های ریالی آنها یکباره تغییر نماید.^۱ این امر باعث کاهش حجم مبادلات

(۱): البته این امر مورد قبول مدافعان سیستم نرخ شناور ارز نیست و آنها شناور بودن را معادل بی‌ثباتی نمی‌دانند. ر. ک.

Milton Frideman, «The Case for Flexible Exchange Rate», *Essays in Positive Economics* (Chicago: University of Chicago Press. 1974) pp. 157-203.

(۲): در ظاهر بازتاب نوسان نرخ ارز برای واردکنندگان باید بیش از صادرکنندگان ایرانی حائز اهمیت باشد زیرا بخش عمده ارز حاصل از صادرات کشور را دولت با نرخ ترجیحی ثابتی خریداری می‌نماید. از

خارجی خواهد گردید و بسیاری از کالاهائی که دارای مزیت نسبی هستند به بازارهای جهانی راه نخواهند یافت. آنان که با تئوریهای اقتصادی آشنائی دارند درک می‌کنند که این امر تخصیص منابع را مختل خواهد ساخت. دست اندرکاران صدور فرس به خوبی می‌دانند که این امر برای دهها هزار قالیباف ایرانی چه معنائی خواهد داشت.

دوم، آن دسته از صادرکنندگان و واردکنندگان که فعالیت‌های خود را متوقف نمی‌سازند برای خطر پذیری خود سود بیشتری طلب خواهند کرد. و اگر این سود به آنان اعطا نشود، سرمایه‌ها و منابع خود را متوجه فعالیتی خواهند کرد که با اعطای سود قبلی، خطر کمتری را متوجه آنان سازد. از آنجا که عرضه و تقاضای یک کشور کوچک تنها جزء اندکی از عرضه و تقاضای جهانی را تشکیل می‌دهد و کشور مزبور قدرت تعیین قیمت‌های جهانی را ندارد، از اینرو دست اندرکاران تجارت خارجی این افزایش

سود را با خرید ارزانتز از تولیدکنندگان و فروش گرانتر به خریداران داخلی تامین خواهند کرد. خرید ارزانتز از تولیدکننده باعث کاهش انگیزه تولید او خواهد شد و تولید کالاهای صادراتی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، فروش به قیمت بالاتر به مصرف‌کننده داخلی به افزایش قیمت و تورم داخلی دامن خواهد زد.

بنابراین، هر چه دست اندرکاران تجارت خارجی کشور خطرگریزتر باشند و سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص ملی بیشتر باشد، نوسانات نرخ ارز تأثیر بیشتری در جهت کاهش تولید داخلی، افزایش قیمت‌ها و تحدید تجارت خارجی باقی خواهد گذاشت^۱. سودها و زیانهای پیش‌بینی نشده بسیاری وجود خواهد داشت، لکن احساس ثبات و ایمنی — که لازمه برنامه‌ریزی و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد — تا حدود زیادی تضعیف خواهد گشت.

اکنون که اهمیت نوسانات نرخ ارز تا

اینرو تنها آن بخش از درآمدهای صادراتی که در بازار آزاد و با نرخ بالاتر از نرخ ترجیحی بفروش می‌رسد تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز واقع خواهد شد. ولی در عمل، بازار داغ داخلی و تورم موجود، این امکان را فراهم نموده تا واردکنندگان بتوانند بخشی از این نوسانات قیمت را به خریداران منتقل نمایند.

(۱): در این شرایط تعقیب سیاست گسترش صادرات غیرنفتی، که یکی از اهداف برنامه توسعه کشور است، یقیناً دشوارتر خواهد بود. در شرایط حاضر لازم است بانک مرکزی — برای کاهش این عدم اطمینان — نرخ ارز متعادل و موردنظر خود را محاسبه و اعلام کند در غیر اینصورت برخی از واردکنندگان و صادرکنندگان — به انتظار کاهش‌های بعدی در قیمت‌های رقابتی ارز — فعالیت خود را متوقف یا از سرعت آن خواهند کاست.

حدودی تشریح گردید، برای جلوگیری از این قبیل نوسانات — و یا لاقلاً محدود ساختن دامنه آنها — لازم است که مهمترین عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای ارز را مورد شناسایی قرار دهیم، چرا که کنترل این عوامل می تواند از دامنه نوسانات مذکور جلوگیری نماید.

بیشتر خواهد بود. ریشه اصلی وابستگی به کالاهای وارداتی را باید در افزایش سریع درآمدهای نفتی کشور در اوائل دهه ۱۳۵۰ جستجو کرد. اگر چه در گذشته (قبل از انقلاب) از سیاست جانشینی واردات پیروی می شد، لکن با افزایش سریع تقاضا در داخل و متعاقباً محدودیت ظرفیت های تولیدی، برای جلوگیری از تشدید تورم، سیاست درهای باز در پیش گرفته شد. از اینرو، سیاست جایگزینی واردات فرصت آن را نیافت تا بتواند رسالت خود را به انجام رساند، زیرا شرط اصلی و اساسی توفیق آن، حمایت اولیه و مقطعی در مقابل واردات ارزان قیمت و با کیفیت بود، که به میزان لازم صورت نگرفت.

۵- عوامل مؤثر بر تغییر و نوسان نرخ ارز در بازار آزاد

۵-۱- مازاد تقاضا برای کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی — که عمدتاً ناشی از کمبود یا نبود این قبیل کالاهای کشور است — را می توان بخش عمده ای از تقاضا برای ارز در بازار غیر رسمی دانست. هر اندازه این کمبود شدیدتر شود، تقاضا برای واردات آنها و در نتیجه، تقاضا برای ارز

۵-۲- تغییر مقررات و قوانین:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و کاهش درآمدهای ارزی کشور، بسیاری از



این واردات ممنوع یا محدود شدند. لکن اختلاف قیمت و در نتیجه، واردات آنها توسط مسافران و افراد مقیم در کشورهای خارج - تحت عناوینی از قبیل سوغات، مصارف شخصی (غیر تجاری)، واردات شناسنامه ای و... خود عاملی جهت ایجاد تقاضا برای ارز در بازار آزاد گردید. در سالهای اخیر نیز شاهد بودیم که آزاد شدن واردات برخی از کالاها (بصورت بدون انتقال ارز) خود عاملی دیگر در جهت تشدید افزایش تقاضا برای ارز آزاد گردید.^۱ در حالت اخیر، اگر نوسانات شدید نرخ ارز و خطرات آن بسیاری از بازرگانان را از ورود به این قبیل معاملات منع نمی نمود، در عمل شاهد افزایش تقاضا و بالا رفتن بیشتر نرخ ارز می بودیم.

۵-۳- جنگ تحمیلی و رشد جمعیت
در یک نگاه کلی می توان گفت که کشور از یکسو با کمبود کالاها روبرو بوده و از سوی دیگر عواملی چون رشد جمعیت و تخصیص منابع در جهت برآورده ساختن نیازهای جنگ این کمبودها را مدام تشدید می نموده که نتیجه کلی عوامل فوق افزایش قیمت های داخلی بوده است. این افزایش قیمت ها - از آنجا که قیمت های جهانی در مقایسه با قیمت های داخلی تغییر چندانی نداشتند - به وارد کنندگان این فرصت را عرضه می کرد که به سود باد آورده ای دست یابند. اما از آنجا که واردات نیاز به خرید ارز داشت^۲، افزایش تقاضا برای ارز، خود منجر به بالا رفتن نرخ آن می گردید که به نوبه خود بسرعت نرخ سود مورد انتظار را کاهش می داد.

(۱): در ارتباط با طرح واردات بدون انتقال ارز، تا تاریخ ۶۸/۷/۱۳ مجوزهای ورود صادره - تنها در مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی - حدود ۳۲۰ میلیون دلار بوده که از این مقدار ارزش دلاری مجوزهای ترخیص صادره حدود ۱۳۹ میلیون دلار بوده است. رک مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، اطلاعات بازرگانی مواد غذایی شماره ۶، مورخ ۶۸/۷/۱۷، ص ۷. بدیهی است با توجه به محدودیت عرضه ارز آزاد، این تقاضا تأثیر قابل ملاحظه ای بر نرخ ارز داشته است. اعلام تدریجی ارقام قابل ورود نیز در همین راستا بوده است.

(۲): متأسفانه خرید برخی از تولیدات داخلی نیز نیازمند ارز بود که علی رغم اعلامهای بعدی علیه آن، کم و بیش ادامه یافت. اخیراً نیز گفته شده است که به فارغ التحصیلان خارج از کشور بصورت ارزی - ریالی خود رو تعلق خواهد گرفت. از آنجا که یک دانشجوی نوعی، مازاد ارزی ندارد و با کمبود بورس و کمک هزینه ارزی نیز روبروست - چرا که در غیر این صورت افزایش مقرری ارزی آنها که اخیراً صورت گرفت ضرورتی نمی داشت - این کار نیز به نوبه خود به افزایش تقاضا برای ارز در بازار غیر رسمی (بازار آزاد) خواهد انجامید.

سوالی که ممکن است در این مرحله در ذهن خواننده مطرح گردد این است که عوامل مذکور بیشتر حاکی از افزایش نرخ ارز است تا نوسان آن. پس نوسانات نرخ ارز را چگونه باید توضیح داد؟ در این رابطه باید گفت بخش بزرگی از این نوسانات را باید ناشی از تغییرات مداوم در قوانین و مقررات ورود و صدور کالا و تغییرات مقطعی در نحوه تولید و توزیع داخلی دانست. بعنوان مثال، زمانی ارز با نرخ رسمی در اختیار کارخانجات قرار می‌گرفت و قیمت تولیدات آنها نیز کنترل می‌شد ولی بعداً آنها توانستند با استفاده از ارز صادراتی و ارز آزاد اقدام به ورود مواد اولیه نموده و تولیدات خود را بر همان اساس قیمت گذاری کنند و یا آنها را خارج از کانالهای توزیع رسمی بفروش برسانند^۱. بهمین ترتیب، ورود برخی از کالاها برای مدتی ممنوع است ولی بعد ورود آنها بدون انتقاس ارز آزاد اعلام می‌شود. در زمینه توزیع داخلی کالاهای اساسی نیز گاه به دلایل مختلف، توزیع برخی از کالاها، ماهها با تاخیر صورت می‌گیرد که افزایش شدید قیمت داخلی آنها را بدنبال دارد. بدیهی است که تحت شرایط فوق، بازار «آزاد» ارزی یکباره با تقاضای قابل توجهی روبرو می‌شود که بدلیل محدودیت بازار ارز غیررسمی، بصورت

افزایش شدید نرخ ارز نمایان می‌گردد. معمولاً پس از مدتی مسئولین با دیدن آثار منفی برخی از مقررات در صدد اصلاح آنها برمی‌آیند و برخی از تنگناها نیز رفع می‌گردند و همانطور که قبلاً نیز ذکر گردید، افزایش شدید نرخ ارز و عرضه بیشتر کالا به نوبه خود دامنه سود را بسرعت تحلیل می‌برد. بنابراین، پس از مدتی تقاضای شدید ارز فروکش می‌کند و با کاهش تقاضا، و افزایش عرضه ناشی از بالا رفتن نرخ ارز در دوره قبل، نرخ ارز شروع به کاهش می‌کند.

۵-۴- هزینه ارزی مسافرت، تحصیل و درمان در خارج از کشور نیز خود بخش قابل ملاحظه‌ای از تقاضا برای ارز را تشکیل می‌دهند. در این رابطه نیز عمدتاً بدلیل کمبودهای داخلی در زمینه تحصیلات عالی و درمان، هر ساله هزاران نفر عازم خارج می‌شوند که باز هم بدلیل افزایش جمعیت از یکسو و کاهش یا عدم تکافوی امکانات داخلی از سوی دیگر، تعداد و تقاضای آنان برای ارز را می‌توان روزافزون دانست. البته در مقطعی به مسافران خارج از کشور ارز محدودی داده می‌شد ولی در سالهای اخیر نیازهای ارزی این افراد عمدتاً از بازار آزاد تامین می‌گردیده است. در این زمینه نیز علاوه بر سیر افزایش تقاضا برای ارز، می‌توان به

(۱): رجوع کنید به وزارت بازرگانی، قانون مقررات صادرات و واردات و آئیننامه اجرایی آن (تهران: چاپخانه وزارت بازرگانی، ۱۳۶۶) ص ص سی و یکم-سی و سوم.

عواملی اشاره نمود که باعث ایجاد نوسان در تقاضا و نرخ ارز گشته اند. بعنوان مثال، اکثر مسافرتهاى تفریحی و شروع به تحصیل در خارج از کشور که مستلزم هزینه ارزی قابل توجهی است، در ماههای خاصی در بهار و تابستان صورت می‌گیرد. البته در مقاطعی خاص - از قبیل تشدید بمباران و موشک بارانهای زمان جنگ - می‌باید تقاضا برای سفر به خارج از کشور تشدید شده باشد. در همین رابطه می‌توان به مقرراتی از قبیل اعلام فروش بلیط ارزی، قطع ارز مسافری، وضع عوارض خروج از کشور نیز اشاره داشت که خود در مقاطعی باعث تغییر تقاضا برای مسافرت و در نتیجه تغییر تقاضا برای ارز گردیده‌اند.

۵-۵- تحولات سیاسی - نظامی نیز در مقاطعی چون فتح خرمشهر و قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران بر بازار آزاد ارز تأثیر قابل توجهی داشته‌اند که البته این آثار نه به دلیل پی آمدهای فوری اقتصادی این تحولات، بلکه به لحاظ تبعات روانی آنها بوده است. در این رابطه، عدم دسترسی به اطلاعات مکفی راجع به عرضه و تقاضای

ارز اغلب باعث می‌گردد تا عاملین اقتصادی با شدتی بیشتر از میزان ضرور در قبال این تحولات عکس العمل نشان دهند. در نتیجه، نرخ ارز در بازار آزاد یکباره با شدتی بیش از آنچه تحول مزبور می‌طلبد، افزایش یا کاهش می‌یابد. پس از مدتی، اطلاعات بیشتری راجع به تحولات پیدامی‌شود و عاملین بازار عکس العمل‌های قبلی خود را اصلاح می‌کنند و نرخ ارز بسمت میزان واقعی خود گرایش می‌یابد.

با قبول قطعنامه ۵۹۸، بسیاری از عاملین اقتصادی با این تفکر که خاتمه جنگ به معنای رفع سریع تمامی مشکلات ارزی و اقتصادی کشور است نرخ دلار را تا حدود ۵۰۰ ریال کاهش دادند و حتی برخی به این فکر افتادند که اگر این نرخ به پائین‌تر از نرخ ترجیحی برای کالاهای صادراتی کاهش یابد چه خواهد شد؟ تا آنجا که مقامات پولی کشور اعلام کردند که نرخ ترجیحی را - علی‌رغم تمامی تحولات - حفظ خواهند کرد. پس از مدتی دیدیم که عاملین اقتصادی به اشتباه بودن پندار اولیه خود پی بردند و بدنبال آن نرخ ارز در بازار آزاد تا حدود نرخ ارز در قبل از قبول آتش بس افزایش یافت!

(۱): البته در خلال این مدت کسری بودجه و تورم داخلی نیز بصورت یک عامل فعال بوده است و به فرض اینکه آتش بس پذیرفته و اعلام نمی‌شد، نرخ ارز چیزی حدود ۲۰-۳۰ درصد بیش از نرخ سال پیش می‌بود. ارقام مذکور بر اساس تئوری شناخته شده «برابری قدرت خرید» (Purchasing Power Parity) با تفاضل نرخ تورم ایران و کشورهای که پول آنها در بازار غیر رسمی ارز مبادله می‌گردند، حاصل گردیده است.

۵-۶- انتظارات عاملین بازار:

اکنون که بحث اطلاعات ناقص و انتظارات عاملین اقتصادی مطرح شد، بد نیست در مورد نحوه شکل گیری انتظارات در زمینه تغییر نرخ ارز نیز اشاره ای داشته باشیم. از میان مدل‌هایی که در زمینه نحوه شکل گیری انتظارات وجود دارند، استفاده از یکی از مدل‌های ساده زیر توسط عاملین بیشتر محتمل است^۱.

۱- در ساده‌ترین شکل خود، می‌توان فرض کرد که عاملین اقتصادی، تغییرات مورد انتظار نرخ ارز در آینده را برابر با تغییرات واقع شده در دوره قبل می‌دانند. بعبارت دیگر، آنان از مدل «انتظارات

تطبیقی» (Adaptive Exctations) پیروی می‌کنند. براساس این مدل، فردا، تنها با استفاده از تغییرات دیروز پیش بینی می‌شود.

۲- مدل نسبتاً کاملتری نیز وجود دارد که بر طبق آن انتظارات تغییر نرخ ارز نه تنها

براساس تغییرات در یک دوره قبل، بلکه براساس متوسط موزونی از تغییرات در دو یا چند دوره قبل شکل می‌گیرد. این مدل‌ها که بنام مدل‌های «انتظارات پس‌نگر» (Regressive Expectations) نامیده می‌شوند، دارای این ویژگی هستند که مادام که نرخ ارز در حال افزایش یا کاهش باشد، عاملین اقتصاد بطور مداوم در پیش بینی‌های خود با خطا عمل می‌کنند^۲. در بخش‌های آتی این نوشتار خواهیم دید که خطای عاملین در پیش بینی نرخها و زیان حاصله از آن می‌تواند بعنوان یک عامل عدم ثبات در سیستم عمل نماید.

۵-۷- سیاست‌های پولی کشور را می‌توان یکی دیگر از عوامل افزایش نرخ ارز و دامنه نوسانات آن دانست. در مدل‌های رایج در اقتصاد کلان، افزایش حجم پول بدواً به کاهش نرخ بهره^۳ و افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف و درآمد و قیمت منتهی می‌گردد که

(۱): مدل‌های پیشرفته‌تر و پیچیده‌تری مانند «انتظارات عقلانی» (Rational Exptations) و «بصیرت کامل» (Perfect Fore sight) نیز وجود دارند. ولی از آنجا که فرض اولیه این مدل‌ها، دسترسی به اطلاع کامل از کلیه جنبه‌های سیستم اقتصادی است، تعمیم چنین مدلی به عاملین اقتصادی - خصوصاً آنان که در بازار ارز فعالیت دارند- به دور از واقعیت خواهد بود.

(۲): برای توضیح بیشتر در مورد انواع مدل‌های مربوطه رجوع کنید به

K. Holden, et. al. *Expectations Theory and Evidences* (London: Mcmillan Publishers Ltd, 1985) pp. 11-23.

(۳): نرخ بهره در مدل اقتصاد کلان ایران - بسته به زمینه مورد نظر- می‌تواند نرخ سود سپرده‌های بانکی یا این نرخ بعلاوه کارمزدهای مأخوذه باشد.

این افزایش درآمد در مرحله بعد باعث می‌گردد تا مقداری از کاهش نرخ بهره در مرحله قبلی جبران گردد. در مجموع، متغیرهای اقتصادی بنحوی تعیین می‌گردند که میزان پول اضافی وارد شده در سیستم با تمایل عاملین اقتصادی به نگاهداری از آن، مواجه گردد. ولی شرایط در کشور ما در سالهای اخیر به گونه‌ای دیگر بوده است. میزان سرمایه‌گذاری‌ها - به دلیل وابستگی‌های ارزی آنها و کمبود ارز در کشور - از انعطاف لازم برخوردار نبوده است. بعلاوه، نرخ سود و کارمزد وامهای تامین کننده این قبیل سرمایه‌گذاریها در خلال این سالها عملاً بلا تغییر باقی مانده است. علاوه بر این - علی‌رغم تمامی نوساناتی که در نرخ تورم کشور در سالهای بعد از انقلاب وجود داشته^۱ - نرخ سودی که به سپرده‌های بانکی مردم تعلق می‌گرفته، تغییر محسوسی نداشته است. در خلال این سالها (۱۳۵۹-۱۳۶۸) نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت در حدود ۶ درصد و نرخ سود سپرده‌های بلندمدت در حدود ۸ درصد بوده است.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که نرخ سود ۸/۵ درصدی هنگامیکه نرخ تورم چیزی حدود ۲۸ درصد است به معنای آن است که قدرت خرید پول سپرده‌گذاران سالانه حدود ۲۰ درصد کاهش می‌یابد. در این شرایط است که بسیاری از سرمایه‌گذاران پول خود را معطوف به خرید ارز (به منظور حفظ ارزش آن) یا سرمایه‌گذاری در شرکتهای ظاهراً تولیدی (مضاربه‌ای) با سود سالانه ۴۰ درصد (اگرچه نه اصل پول و نه سود آن تضمین کافی ندارند) مینمایند^۲. مادام که نرخ سود بالا تر و یا در حدود نرخ تورم در کشور است، بسیاری از افراد پول خود را در بانکها نگاه خواهند داشت ولی با تشدید تورم، پول بیشتری از شبکه بانکی خارج و به احتمال زیاد صرف خرید ارز و سرمایه‌گذاری در شرکتهای فوق‌الذکر میشود. این عمل به نوبه خود با کاهش ارزش ریال و دامن زدن به احتکار، واسطه‌گری و معاملات آتیچنانی به تشدید تورم منجر شده و در صورت عدم اقدام مناسب، دور باطلی از تورم - کاهش ارزش پول - تورم را بوجود خواهد

(۱): نرخ تورم بین ۴/۱ درصد در سال ۱۳۶۴ تا ۲۸ درصد در سال ۱۳۶۷ در نوسان بوده است. رجوع کنید به مرکز آمار ایران سالنامه آماری ۱۳۶۶ (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷) و مصاحبه وزیر اقتصاد و دارائی در روزنامه ابرار (مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۸).

(۲): شرط انصاف است که این نکته را تذکر دهیم که پرداخت سود بالا تر به سپرده‌گذاران به معنای اخذ سود و کارمزد بالا تر از وام‌گیرندگان خواهد بود که این امر تأثیر سوئی بر توزیع درآمد و ثروت باقی می‌گذارد، گرچه این امر می‌تواند بعنوان یک اهرم قوی در کنترل تورم بکار گرفته شود.

۵-۸- تصمیمات نابهنگام دولت در بازار طلا و ارز

از دیگر عواملی که به نوسان نرخ ارز کمک نموده، فروش یا اعلام ثبت نام نامحدود برای فروش سکه و قرعه کشی و اعلام برندگان در مرحله بعد بوده است. این امر، در بدو امر و بدلیل ارتباط نزدیکی که بین طلا و ارز - نه از لحاظ برابری ارزش، بلکه از لحاظ قابلیت جایگزینی یکدیگر - وجود داشته بطور غیرمستقیم به کاهش نسبی قیمت طلا (سکه) و ارز منجر گردیده است.^۲ ولی عدم تحقق انتظار عاملین اقتصادی - بواسطه کاهش درآمدهای نفتی

دولت که خرید طلا و ضرب سکه به میزان مورد تقاضا را غیرممکن ساخت - این کاهش در سالهای بعد از میان رفت^۲ و اعلام شماره های برنده از شماره های یک رقمی به دورقمی (یعنی از ۱۰ درصد دارندگان فیش به یک درصد دارندگان فیش در هر مرحله) تنها می توانست کاهشی کوتاه مدت و قبل از افزایش بعدی آن - که تابع متغیرهای اصلی اقتصاد است - ایجاد نماید که این خود چیزی جز ایجاد نوسان - اگر چه در دامنه ای بسیار محدود - نیست.

مشکل اصلی طرح هائی از این قبیل آن است که عمدتاً در مقاطعی از زمان که دولت از پشتوانه ارزی قوی برخوردار می باشد امکان پذیر است. لکن، طی این دوران نرخ

(۱): اگر شرکتهای مورد نظر به سرمایه گذاران سود ۴۰ درصد بدهند یقیناً سهم مورد انتظار مسئولان شرکت چیزی بیشتر از ۴۰ درصد خواهد بود. این امر به معنای آن است که این شرکتها - با فرض آنکه سرعت گردش پولشان یک باشد - هر آنچه را بخرند و یا تولید کنند باید به دو برابر قیمت خرید، یا هزینه تولید، بفروش برسانند. تصور اینکه با سرانبردن نقدینگی در حال افزایش کشور بسوی این شرکتها، تورم به چه صورت درخواهد آمد نباید چندان مشکل باشد. با افزایش سرعت گردش پول اگر چه می توان از نتیجه دوبرابر کردن قیمت چشم پوشید، لکن در عوض کالاهای بیشتری مشمول افزایش قیمت خواهند شد.

(۲): معادله رگرسیون قیمت سکه (به هزار ریال) و قیمت دلار طبق ارقام جدول (۱) بصورت زیر محاسبه شده است که حاکی از همبستگی زیاد این دو قیمت - علیرغم سایر تحولات موثر بر آنها - می باشد.

$$r = 0.964 + 0.074 / 23 + 23 = \text{قیمت سکه (قیمت دلار)}$$

(۳): البته چنین سیاستی می تواند بصورت حضور بانک مرکزی در بازار ارز و طلا به منظور تثبیت قیمت آنها و یا جلوگیری از نوسان بیش از حد آنها نیز مطرح گردد. ولی با توجه به زمان اعلام ثبت نام نامحدود برای سکه که مصادف با کاهش تورم و وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصاد در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ و کاهش شدید درآمدهای نفتی در سالها ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ بود، نتیجه این امر برخلاف هدف مورد نظر بوده است.

گاه در یک زمان و در خلاف جهت یکدیگر به وقوع می‌پیوندد، لکن امید می‌رود که این ارقام تاییدی نسبی بر نظرات اعلام شده در این نوشتار و فتح بابی جهت بحث‌ها و دیدگاه‌های جدید و جامع‌تر در این زمینه باشد.

جمع بندی

نرخ ارز، قیمت نسبی کالاهای داخلی و وارداتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این طریق تولید، اشتغال، تورم، تراز بازرگانی و الگوی مصرف کالاهای داخلی و وارداتی را متأثر می‌سازد. بنابراین، تعیین و حرکت بسوی نرخ ارز مناسب و متعادل از اهمیت خاصی برخوردار است. علاوه بر سطح نرخ ارز، نوسانات آن نیز بسیار حائز اهمیت

ارز معمولاً سیری کاهنده یا باثبات دارد و اعلام این سیاست‌ها به روند کاهش نرخ ارز شدت می‌بخشد. اما با محدود شدن امکانات ارزی، از یکسو نرخ ارز رو به افزایش می‌گذارد و از سوی دیگر عدم امکان ادامه سیاست دولت در زمینه عرضه ارز و طلا باعث می‌گردد که این روند افزایشی، تشدید گردد. بعبارت دیگر، بدلیل عدم کفایت پشتوانه ارزی دولت و مشخص نبودن میزان دقیق درآمدهای نفتی کشور، سیاستی که هدف تثبیت قیمت طلا و ارز را دنبال می‌کند خود باعث گسترش دامنه نوسان می‌گردد!

بحث سایر عوامل موثر بر نوسانات نرخ ارز، خصوصاً نقش دلان ارز در بازار آزاد، پی آمد از بین رفتن اختلاف نرخ رسمی و آزاد و نتیجه گیری را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم و با ارائه جمع بندی و جدولی در رابطه با تغییرات ارزش دلار و سکه در بازار آزاد - در مقاطعی از زمان که برای آن دوران آمار و علت تغییر موجود است - بحث را خاتمه می‌دهیم. گر چه بسیاری از عوامل.

(۱): این قبیل مداخلات در بازار ارز توسط بانک مرکزی کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز انجام می‌گیرد. ولی توفیق نسبی آنها در این امر مهون ذخایر عظیم این کشورها از یکسو و هماهنگی بین بانکهای مرکزی آنها از سوی دیگر است. لکن، حتی برای این کشورها نیز این قبیل مداخلات حد و مرزی دارد. مثلاً ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۷۱ نتوانست با مداخلات خود مانع از سقوط دلار شود. در عصر حاضر مشکل بیشتر شده است زیرا بمحض اینکه خبر دخالت یک بانک مرکزی اعلام شود، عاملین اقتصادی آن را حسب مورد ناشی از ضعف و قدرت پول مورد مداخله دانسته و نرخ برابری ارز را در همان جهت متأثر می‌سازند.

است. چرا که نوسانات غیرعادی آن تخصیص منابع را مختل ساخته و علاوه بر تحدید تجارت خارجی، ثبات اقتصادی کشور را نیز کاهش می‌دهد. از اینرو، شناخت و از میان بردن و یا تضعیف عوامل موجد این نوسانات نیز باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

برخی از عوامل مؤثر بر افزایش و نوسانات نرخ ارز که در این بخش مطرح گردید - مانند کاهش قیمت نفت و جنگ تحمیلی و... - به عنوان عوامل برون‌زا و خارج از کنترل دولت می‌تواند مطرح گردند. لکن، عواملی همچون تغییر در قوانین و مقررات ورود کالا و سیاست‌های پولی و مالی دولت نیز در افزایش نرخ ارز و نوسانات آن نقش داشته‌اند. انگیزه سودجویی و هزینه فرصت نگاهداری ریال نیز بسیاری از افراد را یا به فعالیت در بازار غیررسمی ارز کشانده و یا سرمایه‌های آنان را متوجه فعالیت‌های

غیرمولد و تورم‌زا نموده است که خود دور باطل تورم - کاهش ارزش ریال - تورم را دامن می‌زند. بعلاوه، نحوه شکل‌گیری انتظارات و اطلاعات غیرمکفی این عاملین، خود تشدید دامنه نوسانات را باعث گردیده است.

از اینرو، وضعیت فعلی بازار غیررسمی ارز را نمی‌توان تنها به یک دسته و گروه خاص منتسب کرد. لکن، با توجه به نقش تعیین‌کننده و ارشادی دولت در اقتصاد، انتظار می‌رود با تنظیم و اجرای سیاست‌های صحیح پولی، مالی و ارزی و سایر سیاست‌های ذریبط گام‌های جدی در جهت اصلاح وضعیت موجود برداشته شود.

«تذکر این نکته مفید است که این مقاله در اواسط آبان‌ماه تنظیم گردیده است. لذا تعبیری که ناظر به زمان است با عنایت به این مطلب، مدنظر قرار گیرد.»

جدول (۱): تغییرات ارزش دلار و سکه در بازار آزاد و علت آن

تاریخ	۱- قیمت دلار امریکا* (ریال)	۲- قیمت سکه (بهار آزادی)* (هزار ریال)	توضیح ۱	توضیح ۲
۱۳۶۸/۷/۱۸	۱۱۴۵ (۱۱۸۵)	(۱۰۴/۷۰۰)	خبر پرداخت شرکت مینسوتی و اشلند به ایران و افزایش احتمال اجرای سیاست‌های ارزی دولت	
۶۸/۷/۱۶	(-) ۱۲۷۵	(۱۰۷/۵۰۰) ۱۰۷/۷۰۰	-	عرضه مغادیری سکه
۶۸/۷/۹	۱۲۸۰ (۱۲۸۵)	(۱۰۸/۰۰۰) ۱۰۷/۹۰۰	ورود مغادیر معتنا بهی دلار به بازار آزاد	-
۶۸/۲/۱۰	(-) ۱۲۲۰	(-)/۱۲۱/۰۰۰	دلالتان برای افزایش قیمت‌ها دلیل خاصی نمی‌دانستند!	-



کاهش نقاشا	-	(۱۱۳/۵۰۰) ۱۱۳/۰۰۰	۱۲۲۰ (-)	۶۸/۱/۳۰
-	روند عادی بازار!	(۱۱۷/۰۰۰) ۱۱۷/۰۰۰	۱۲۰۰ (۱۱۸۰)	۶۷/۱۲/۲۱
تشن در روابط ایران و بازار مشترک		(۱۱۱/۵۰۰) ۱۱۹/۰۰۰	۱۲۳۰ (۱۱۱۰)	۶۷/۱۲/۳
افزایش مسافرتهاى خارج و سخنان مسئولین ذيربط در مورد وضعیت مرزهای ایران و عراق		(۹۲/۸۰۰) ۹۹/۰۰۰	۱۰۳۰ (۹۷۰)	۶۷/۱۱/۱۶
دستور العمل دولت در مورد واردات بدون انتقال ارز		(۱۰۶/۸۰۰) ۱۱۲/۵۰۰	۱۱۷۰ (۹۹۵)	۶۷/۹/۶
-	کندی مذاکرات ملح	(۸۸/۵۹۰) ۸۸/۸۰۰	۸۹۰ (۸۸۰)	۶۷/۸/۱۵
-	آزاد شدن ورود برنج توسط مرز نشینان و کارگران خلیج	(۸۵/۰۰۰) ۸۹/۰۰۰	۹۰۰ (۸۳۰)	۶۷/۸/۱
-	سخنان ریاست جمهور در زمینه بازاری و ورود اقلام مورد نیاز	(۸۶/۰۰۰) ۸۵/۰۰۰	۸۲۰ (۸۳۵)	۶۷/۷/۲۷
گزارش رادیوهای بیگانه در مورد توقف مذاکرات ملح		(۸۲/۵۰۰) ۸۸/۰۰۰	۸۰۰ (۸۰۰)	۶۷/۷/۱۳
-	کارگشایی رژیم عراق در مذاکرات	(۷۳/۵۰۰) ۸۲/۵۰۰	۷۸۰ (۶۸۰)	۶۷/۶/۷
-	-	(۶۷/۶۰۰) ۷۱/۵۰۰	۶۳۵ (۵۹۰)	۶۷/۵/۳۰
-	نزدیک شدن به اعلام رسمی آتش بس در ۵/۲۹ و انتظار کاهش به ۵۰۰ سال	(۷۰/۰۰۰) ۶۷/۶۰۰	۵۹۰ (۶۴۰)	۶۷/۵/۲۶
قبول آتش بس از سوی عراق		(۷۷/۰۰۰) ۷۳/۰۰۰	۶۷۰ (-)	۶۷/۵/۱۶
سخنان مسئولان در رابطه با آتش بس		(۸۰/۲۰۰) ۷۷/۰۰۰	۷۵۰ (-)	۶۷/۵/۱۲
سقوط ایروان توسط امریکا		(۱۵۰/۲۰۰) ۱۵۰/۷۰۰	۱۴۲۲ (-)	۶۷/۴/۱۵

ارقام داخل پرانتز قیمت های روز قبل هستند.

مأخذ: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران خبرها و گزارشهای اقتصادی، شماره های مختلف سال ۱۳۶۷ و هفت ماهه اول ۱۳۶۸.



الف - فارسی:

- ۱- خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبرها و گزارشهای اقتصادی، شماره های مختلف سال ۱۳۶۷ و هفت ماه اول سال ۱۳۶۸.
- ۲- روزنامه ابرار، مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۸.
- ۳- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۶، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
- ۴- مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، اطلاعات بازرگانی مواد غذایی، شماره ۶، مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۷.
- ۵- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی جلد اول، دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۷.
- ۶- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بازار جهانی فرش، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۶۳.
- ۷- وزارت بازرگانی، قانون مقررات صادرات و واردات و آییننامه اجرائی آن، تهران: چاپخانه وزارت بازرگانی، ۱۳۶۶.

ب - لاتین

- 8- Friedman, Milton. «The Case for Flexible Exchange Rate» *Essays in Positive Economics*, Chicago: University of Chicago Press, 1974.
- 9- Holden, K. et. al., *Expectations Theory and Evidences*, London: Mcmillan Publishers Ltd., 1985.